



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان

گرایشات عامه پسند در آثار هنرمندان معاصر امریکا

استادان راهنما

دکتر فرد دهکردی

دکتر معمارزاده

دانشجو

غزال خطیبی

مهر 1390



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان

گرایشات عامه پسند در آثار هنرمندان معاصر امریکا

استادان راهنما

دکتر فرد دهکردی

دکتر معمارزاده

استاد مشاور

دکتر حسامی

دانشجو

غزال خطیبی

مهر 1390

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه

الزهراس)س) است .

به نام خدا

فهرست مطالب

- 4..... چکیده و واژگان کلیدی
- 6..... مقدمه

فصل اول: کلیات پژوهش

- 12..... مسئله‌ی پژوهش
- 12..... پرسشهای پژوهش
- 13..... اهداف پژوهش و ضرورت آن
- 13..... فرضیات پژوهش
- 14..... پیشینه‌ی پژوهش

فصل دوم: نگاهی به هنر امریکایی

- 16..... نیویورک؛ پایتخت هنر معاصر
- 19..... چه عواملی هنر امریکایی را شکل داده است؟
- 19..... اخلاق پروتستان و قداست کار
 - 25..... W.P.A یا اداره‌ی پیشرفت کارها
 - 28..... ملی‌گرایی

فصل سوم: فرو ریختن مرزها و پیدایش پاپ آرت

- 30..... هنر والا، هنر پست و هاله‌زدایی
- 32..... بازتولید مکانیکی و سلیقه‌ی بازاری
- 33..... کیچ اولیه
- 37..... دادا و تحولات انقلابی
- 39..... پاپ آرت؛ سیاست لذت
- 44..... فرو ریختن مرزها و انتقادات

فصل چهارم: فرهنگ عامه و فرهنگ مصرفی

- 51..... زندگی روزمره؛ مفهومی بازتعریف شده
- 54..... فرهنگ عامه
- 55..... فرهنگ مصرفی و دیدگاه‌های انتقادی
- 60..... آرم‌های تجاری

فصل پنجم: گرایش‌های عامه‌پسند

- 65..... «به لذت‌های ساده عشق می‌ورزم چرا که آخرین پناه ام از عقده‌هایند.»
- 68..... هنرمند دیگر صرفاً یک هنرمند نیست
- 70..... هنر در رقابت با فرهنگ عامه

74.....	• جوان گرایی و مد.....
78.....	• هنر شرکتی.....
88.....	• رسانه های مردمی.....
98.....	• کیچ و کمپ.....
103.....	• نئو پاپ.....
107.....	پیوند دوباره بین هنر معاصر ، هنر مفهومی و هنر پاپ.....
112.....	سخن آخر؛ ستایش یا انتقاد؟.....
119.....	نتیجه گیری.....

فصل ششم: بخش عملی

125.....	تلویزیون.....
128.....	آثار.....
133.....	فهرست منابع.....

چکیده و واژگان کلیدی

از اوایل قرن بیستم میلادی و با ظهور عکاسی، سینما و شیوه های بازتولید و تکثیر آثار هنری در برخی جوامع غربی، اهمیت مطالعه و ارزیابی فرهنگی عامه بشکلی بارز خود را نمایان ساخت. در همان دوران، آوانگارد رادیکال به شیوه‌هایی گوناگون در پی از میان برداشتن مرزهای میان هنر و زندگی روزمره بود. گسترش فرهنگ توده ای مدرن در قرن بیستم از طریق رسانه های همگانی، واکنش های گوناگونی برانگیخته است. به طوری که گروه های قدرتمند معمولاً به فرهنگ توده به دیده تحقیر می نگرند و اغلب در پی اعمال کنترل فرهنگی بر می آیند. بسیاری بر این عقیده اند که دموکراسی به واسطه ی یکسان سازی، ارزش ها و فرهنگ را یکسان می نماید که باعث تنزل ذوق و اندیشه در میان فرهنگ مردمی می شود. از این دیدگاه فرهنگ مردمی هرج و مرجی است که در عصر مدرن پدیدار شده است. در مقابل برخی دیگر معتقد اند، فرهنگ مردمی که هنر پاپ از میان آن بر آمد را باید با سایر فرهنگ ها هم سطح و هم سنگ شمرد.

برتری هنرمندان امریکایی به همان اندازه مدیون قدرت اقتصادی کشورشان است که خلافت و نوآوری هنرمندانش. نمی توان نقش سیاست های فرهنگی وضع شده در ایالات متحده برای معرفی و حمایت از هنرمندان با استعداد را نادیده گرفت. بعد از سال های دهه ی 20 تمام بازیگران اقتصادی برای ظهور یک هنر کاملاً امریکایی وارد صحنه شدند و تا به امروز نیز فعال هستند؛ هنر پاپ با سنت هنرهای زیبا به پیکار می خیزد و اصرار می ورزد که فرهنگ مردم با شکل های انبوهش به اندازه ی هنرهای زیبا اعتبار دارد و همراه با آن به حیاتش ادامه می دهد. امروزه بسیاری از هنرمندان، حتی بیشتر با رویکردهایی انتقادی، هریک به شکلی، فرهنگ عامیانه را دستمایه ی خلق آثار خود قرار داده‌اند.

واژگان کلیدی: کیچ ، پاپ آرت ، پست مدرنیسم ، نئو پاپ ، فرهنگ عامه ، فرهنگ مصرفی

مقدمه

در نیمه ی دوم قرن بیستم، هنر با تغییرات فراوانی همراه بود. به عنوان مثال زیبایی اثر هنری، مهارت هنرمند و عواطف رمانتیک نفی شد؛ نقاشی ارتجاعی قلمداد گردید؛ با کالائی شدن هنر مقابله شد و تعریف جدیدتر و رادیکال تری از هنر ارائه گردید. اگرچه پس از دو دهه، بسیاری از این دیدگاه ها مورد تجدید نظر قرار گرفتند، اما همچنان هنرمند هنرهای تجسمی به خلق آثاری می پردازد که در گذشته در حیطه فیلم، تئاتر و یا صنایع دستی قرار می گرفت. عده ای از بدن خود و گروهی از زمین برای خلق آثار استفاده می کنند. استفاده از مواد و تکنیک حدی نمی شناسد و آگاهانه مرز میان هنرها مخدوش گردیده است.

از سوی دیگر گسترش فرهنگ توده ای در قرن بیستم و پس از آن، از طریق رسانه های همگانی، واکنش های گوناگونی برانگیخته است، به طوری که گروه های ممتاز و قدرتمند معمولاً به فرهنگ توده با دید تحقیر می نگرستند و اغلب در پی اعمال کنترل فرهنگی بر می آمدند. با این تفاسیر، در دهه های اخیر به دلایل مختلف از قبیل شهر نشینی فزاینده، صنعتی شدن، مهاجرت، نوسازی و... که به ظهور جامعه ی توده ای مدرن انجامید، اعمال کنترل بر فرهنگ در همه جا موفقیت آمیز نبوده است و فرهنگ های رسانه ای به یکی از نیرو های غالب در فرایند اجتماعی شدن تبدیل شده اند. تصاویر و چهره های پر آوازه در مقام داوران سلیقه ، ارزش و تفکر جایگزین خانواده، مدارس و کلیساها شده اند و سرمشق تازه ای برای هویت یابی و الگوهای هماهنگ سبک، مد و رفتار ایجاد می کند. رسانه های عامه پسند ، یعنی وسایل ارتباطی مانند تلویزیون، روزنامه ها و مجله ها، از وجوه اصلی زندگی روزمره در مدرنیته اخیر به شمار می آید.

در این میان هنر ایالات متحده به عنوان بخش مهمی از هنر معاصر توانست به بازتعریف مفهوم های رایج از هنر و هنرمند و رابطه اش با جامعه بزند. امروزه، مفهوم هنر معاصر با ایالات متحده پیوند خورده است. هرچند ممکن است اصلیت عده ای از هنرمندان متنوع باشد، اما بسیاری از آنها امروزه در نیویورک زندگی می کنند و مشغول به کار هستند. اگر چه الگوی فرهنگی اروپایی بویژه در زبان، هنرها و نهادهای سیاسی دارای نفوذ بسیار بوده، مردمی از آفریقا، آسیا و امریکای شمالی نیز سهمی در فرهنگ امریکایی داشته اند. تمامی این گروه ها بر ذائقه های عامه پسندانه در هنر، موسیقی، پوشش، سرگرمی و حتی شیوه ی پخت غذا، تأثیر گذار بودند. در نتیجه، فرهنگ امریکایی آمیزه ی غیر معمولی از الگوها و ترکیبات بر گرفته از تنوع جمعیتی خود را داراست. ملودی های فراوان فرهنگ امریکایی همواره هماهنگ و خوش آوا نیستند بلکه پیچیدگی موجود در آن جامعه ای را خلق کرده که برای دست یابی به حد قابل قبولی از بردباری و ایجاد سلیقه ی منحصر و معمول فردی که به امریکاییان در هر کجا هویت می بخشد، تلاش می کند. کشور امریکا قویاً متعهد به اجرای دموکراسی است که در آن نظرات اکثریت افراد غالب بوده و کوشش آن در جهت تساوی در قانون و اصول حقوقی و عرف است.

هنگامیکه نویسنده ی فرانسوی الکسی دو توکویل¹، یک ناظر تند و تیز اجتماعی، در سال 1830 به سراسر ایالات متحده سفر کرد، به تصویر شگرفی از سرشت دموکراسی در امریکا و برآمدهای فرهنگی آن، دست یافت. او بدین تفسیر رسید که در تمامی فضاها ی فرهنگی - زندگی خانوادگی، قانون، هنرها، فلسفه، و پوشش - امریکایی ها تمایل به تأکید بر امور «معمولی» و «آسان» داشتند تا بخش

¹ . Alexis de Tocqueville (1805-1859)

های خاص و پیچیده. این نگرش امروز هم به مانند زمانیکه دو توکویل سرتاسر ایالات متحده را از نظر گذراند، غالب است. از این رو، فرهنگ امریکایی اغلب با عامه پسند بودن و ویژگی های فراگیر دموکراتیک همچون فیلم های سینمایی پر هزینه خود، کمدی های تلویزیونی، ستاره های ورزشی و غذاهای های حاضری (همچون مک دونالد)، تعریف می شود تا با جنبه های آموزنده تری چون اجرای نمایش در سالن های تئاتر، انتشار کتاب ها، یا دیدن از موزه ها و گالری ها. حتی هنر های عالی در آمریکای مدرن اغلب از انرژی و اشکال فرهنگ عامه پسند، سهم می برد، و هنرهای معاصر اغلب محصولی از امتزاج هنرهای عالی و عامه پسند هستند.

بسیاری بر این عقیده اند که پرسش پست مدرنیسم اکنون دیگر این نیست که آیا پیشرفت هنر کند شده است یا خیر، چنان که در ابتدای دهه ی 1980 بود، بلکه سؤال این است که هنرمندان چگونه باید به فرهنگ عامه پسند واکنش نشان دهند. اگر قرار بود هنر در دنیای کنونی هدفی را دنبال کند، می بایست خود را در تقابل با این نظام قرار می داد. از این دیدگاه، محصولات و رسانه های همگانی، ابزارهای یک نظام سرمایه داری فاسد به حساب می آیند. اما هنرمندان چگونه می توانستند رسانه را از اریکه ی قدرت سرنگون سازند یا حتی با آن رقابت کنند؟ چگونه می توانستند بدون اینکه خودشان به کالایی لوکس بدل شوند با دنیای کالاها مقابله کنند؟

در اواخر دهه ی 1960، گرایش های گوناگونی در جهت درون نگری مطلق هنوز به طور کامل توسط اکسپرسیونیسم انتزاعی تثبیت نشده بودند که جنبشی با تشابهات بسیار چشمگیر عملی و نظری به مکتب دادا پدیدار شد و از جمله عنوان هایی که بر آن نهادند نئو دادا بود، ولی امروز هنر پاپ یا عامه پسند نامیده می شود. هنرمند پاپ، به خارج از خویشتن، یعنی به محیط روی آورد و ماده ی

کارش را در شیوه ها و کالاهای انبوه تولید شده برای زندگی نوین شهری و روستایی، یافت. هنر پاپ با سنت هنرهای زیبا به پیکار برخاست و اصرار ورزید که فرهنگ مردم با شکل های انبوهش به اندازه ی هنرهای زیبا اعتبار دارد و همراه با آن به حیاتش ادامه می دهد. عواملی که هنر پاپ را آفریدند به هیچ وجه جهانی نبوده و بیشتر با فرهنگ جامعه آمریکایی و تا حدی انگلیسی، در سال های پس از جنگ جهانی دوم سازگار بودند. لذا تنها هنرمندانی که با این فرهنگ مانوس بودند لحن مخصوص و زبان بیانی آن را دریافتند. در امریکا ناسیونالیسم نقش بسیار مهمی در موفقیت عظیم و ناگهانی پاپ داشت. به تعبیری دیگر، امریکایی ها در این هنر بازتاب جامعه ی خویش را به سهولت دریافت کردند. آن ها همچنین نوعی بی همتایی نگرش امریکایی را به وضوح در این هنر متجلی می دیدند. بر این مبنای این گفته را که «هنر پاپ به بازسازی تاریخ هنر امریکا انجامید» نباید ادعایی گزافه پنداشت.

امروز نیز همچنان لحن هنر پاپ در بیشتر موارد، با فرهنگ مردم توده سازگار است. هر چند می تواند از سازگاری تا بی طرفی و دشمنی در نوسان باشد. واقعیت هنر پاپ مانند واقعیت قوطی های مواد غذایی در مغازه ها یا تابلوی اعلانات ایستگاه های راه آهن، در برابر دیدگان ما قرار دارد. ظهور این واقعیت بر واکنش های روزمره ما فرمان می راند. واقعیت پاپ، یک شیء مصرف شدنی، و مصرفش بخشی از دخالت پیوسته اش در تجربه های روزانه ی ما و اهمیت آن برای تجربه های مزبور است. بر روی هم، واقعیت های پاپ، دنیای پهناوری از تصاویر جالب پدید می آورند که مانند تمام واقعیت های دیگر می توانند سرچشمه خیال پردازی های تازه شوند.

فارغ از پذیرش یا عدم پذیرش این جریانات هنری معاصر، آگاهی از چرایی و روند این تحولات الزامی است. چرا که موافقت و پیروی نا آگاهانه از این رویکردها روی دیگر سکه مخالفت از روی

نادانی بوده و هیچ کدام پاسخ گوی نیاز های امروز این جامعه نخواهد بود. از آنجا که هنر در خلاء به وجود نمی آید و همواره بسترهای اجتماعی، فرهنگی، فلسفی از یک سو و هنرهای موجود از سوی دیگر بر تغییر و یا تثبیت روند هنر تاثیر می گذارند، مروری بر این زمینه ها که هنر معاصر از دل آن بیرون آمده است اجتناب ناپذیر می نمایاند.

فصل نخست: کلیات پژوهش

مسئله‌ی پژوهش:

فهرست رسمی در هنرها، همواره فهرستی است از افراد برجسته‌ای که در حوزه‌ی خود شاخص بوده‌اند. آنها برای عموم شاهدهی هستند دال بر کیفیت برتر آثار این هنرمندان. به اعتقاد تدوین کنندگان فهرست‌های مذکور هم ردیف ساختن شکل‌های هنری مورد پسند مردم با آثار وزینی که نخبگان و منتقدان تراز اول، آنها را ارزشمند می‌شمارند، به معنای زائل ساختن ذات هنرهای والاست. قائل شدن چنین تمایزی میان آثار معتبر و عامه پسند، از این فرض ناشی شده است که فرهنگ را می‌بایست به دو حوزه‌ی متمایز فرهنگ متعالی و فرهنگ عامیانه تقسیم کرد. اما همواره مناقشات میان تمایز ذکر شده از مهمترین مباحث مطالعات فرهنگی بشمار رفته است. بخصوص که از اوایل قرن بیستم میلادی و با ظهور عکاسی، سینما و شیوه‌های بازتولید و تکثیر آثار هنری در برخی جوامع غربی، اهمیت مطالعه و ارزیابی فرهنگ عامه بشکلی بارز خود را نمایان ساخت. در همان دوران آوانگارد رادیکال به شیوه‌هایی گوناگون در پی از میان برداشتن مرزهای میان هنر و زندگی روزمره بود. بعدها در دهه‌ی شصت میلادی نیز، هنرمندان پاپ، به شکلی دیگر سعی کردند تا شکاف میان هنر و زندگی را به نوعی پر کنند. در دوران معاصر نیز بسیاری از هنرمندان حتی با رویکردهایی انتقادی، هریک به شکلی، فرهنگ عامیانه را دستمایه‌ی خلق آثار خود قرار داده‌اند.

پرسشهای پژوهش:

- چه جنبه‌هایی از فرهنگ عامه می‌توانند در جریان‌ات هنری تأثیرگذار باشند؟ و چه جذابیت‌هایی موجب پرداختن هنرمندان بدانها شده است؟

- روند این تأثیر پذیری در دوران معاصر و در آثار هنرمندان جدیدتر به چه شکل است؟
- آیا هنرهای عامه‌پسند باید بعنوان بخشی از فرهنگ یک جامعه مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند؟
- موضع گیری اندیشمندان و متفکران در اینباره چگونه بوده است؟
- مصداق چنین گرایشاتی را در آثار کدامیک از هنرمندان متأخر می‌توان یافت؟

اهداف پژوهش و ضرورت آن:

گرایشات عامه‌پسند، حتی پس از دهه‌ی 80 میلادی نیز، جایگاه خود را در هنرهای تجسمی حفظ کرده است. در زندگی روزمره‌ی خودمان نیز، همواره شاهد گسترش روزافزون شکل های عامه‌پسند در آگهی های تجاری، تبلیغات تلویزیونی، فیلم ها و سریال‌های بازاری و موسیقی و رمان‌های عامیانه هستیم. و با تمام مرزبندی هایی که همواره بین فرهنگ عامه و فرهنگ والا شده است، نمی‌توان تأثیرات فرهنگ عامه را بر هنرهای تجسمی دوران معاصر نادیده گرفت. و افزایش چنین گرایشاتی حتی پس از جنبش پاپ آرت ضرورت پرداختن بدان را بیش از پیش آشکار می‌سازد. بدین منظور بررسی تأثیرات فرهنگ عامه بر هنرهای معاصر می‌تواند در شناخت هرچه بیشتر هنرهای اخیر حائز اهمیت باشد.

فرضیات پژوهش:

- هنرهای مردمی در شکل‌گیری جریان‌ات مربوط به پست مدرنیسم تأثیر شایان توجهی داشت.
- تأثیرات فرهنگ عامه همواره بر روی هنرهای مختلف و از جمله هنرهای معاصر قابل توجه بوده است.
- نمود این تأثیرات در هنرها می‌تواند جنبه‌های گوناگونی داشته باشد: همچون پررنگ شدن نقش هنر تجاری و از طرف دیگر از میان رفتن مرزهای بین هنرمتعالی و عامه‌ی مردم.
- تأثیرپذیری هنرها از فرهنگ عامه در کشورهای توسعه‌یافته از جمله آمریکا تجلیات متنوع تری به خود گرفته است.

پیشینه‌ی پژوهش:

هرچند در زمینه‌ی تأثیرات فرهنگ عامه بخصوص بر جریان‌های معاصر هنری، کتب لاتین متعددی به چاپ رسیده‌اند، اما تاکنون، به زبان فارسی، کتابی تخصصی انتشار نیافته است. در عین حال تقریباً در بیشتر کتب ترجمه شده‌ای که به مقوله‌ی پست‌مدرنیسم پرداخته‌اند، چنین جنبه‌ای از هنر معاصر نیز همواره مورد توجه قرار گرفته است؛ همچون کتاب «تبارشناسی پست مدرنیسم» نوشته‌ی علی اصغر قره‌باغی. در برخی مجلات از جمله «ارغنون» و «حرفه: هنرمند» نیز، مقالاتی در اینباره به چاپ رسیده‌است. برای مثال می‌توان به ترجمه‌ی مقاله‌ی «فرهنگ رسانه‌های گروهی» نوشته‌ی ژان بودریار که در مجموعه مقالات «ارغنون» به چاپ رسید، اشاره کرد.

فصل دوم: نگاهی به هنر امریکایی

تا وقتی که هنرمندان این آزادی را دارند که با شور شخصی بالای خود احساس کنند، تا زمانی که هنرمندان ما آزادند تا با صداقت و اعتقاد دست به خلق بزنند، اختلاف آرای سالم و پیشرفت در هنر وجود خواهد داشت ... تا چه حد این در استبداد متفاوت است. وقتی هنرمندان تبدیل به برده و ابزارهایی برای دولت ها می شوند؛ هنگامی که هنرمندان بدل به تبلیغات چیان اصلی هدفی معین می شوند، پیشرفت از حرکت باز می ماند و خلاقیت نابود می شود. « دوایت آیزنهاور»

(علیرضا صحاف زاده، هنر هویت و سیاست بازنمایی، 61)

نیویورک؛ پایتخت هنر معاصر

رابرت رزنبوم¹ معتقد بود که به رغم طبقه بندی های بسیار شایع اغلب موزه های امریکا برای جدا کردن تحولات تاریخ هنر این کشور از بدنه ی اصلی آن در اروپا، بدیل های متعددی که در دو سوی آتلانتیک در این مدت می توان مشاهده کرد، تشخیص آمریکایی بودن یک هنرمند آمریکایی را دشوار می کند و در بسیاری موارد معیار تولد در امریکا برای آمریکایی دانستن یک هنرمند را ناکافی می نماید. (همان: 274) زبان اکسپرسیونیسم انتزاعی زبانی بین المللی بود که با گسست از کوه نظری های بومی نسبت داده شده به رئالیسم اجتماعی و دیارگرایی غرب میانه ای رایج در دهه های سی و چهل به مخاطبی و رای محدودی های مکانی و زمانی نظر داشت. با این حال از سوی دیگر وقتی

¹ . Robert Rosenblum(1927–2006): کیوریتور و مورخ امریکایی